

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره ششم، زمستان ۱۴۰۱: ۱-۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل وضعیت خشونت خانگی در خانواده ایرانی

محسن سوهانیان حقیقی*

ایرج فیضی**

چکیده

خانواده، یکی از ارکان و نهادهای اصلی جامعه است و بر این اساس مسائل و آسیب‌های مرتبط با حوزه خانواده از مهم‌ترین موضوعات در بررسی مسائل اجتماعی به شمار می‌رود. از جمله مهم‌ترین مسائل حوزه خانواده، بحث خشونت خانگی است و پیش از هر نوع تبیین و آسیب‌شناسی درباره علل خشونت خانگی، به توصیفی دقیق از وضعیت خشونت خانگی در جامعه هدف نیاز است. بر این اساس هدف از این پژوهش، ارائه توصیفی قابل تعمیم از وضعیت خشونت خانگی در بین اعضای خانواده ایرانی، به شکل کلی و در ابعاد مختلف (فیزیکی، روانی، کلامی، اقتصادی و جنسی) است. روش انجام پژوهش، تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ملی خانواده است که جامعه آماری آن، کلیه افراد بالای ۱۵ سال در جامعه ایران در سال ۱۳۹۷ با حجم نمونه ۵۰۲۷ نفر با شیوه نمونه‌گیری تصادفی است که از این میان، ۳۸۱۵ نفر متأهل و ۱۲۱۲ نفر مجرد هستند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، میزان شیوع شاخص کلی خشونت در میان زوجین، ۸۱.۱ درصد است و میانگین شدت آن برابر ۹.۰۶ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ است. همچنین میزان شیوع شاخص کلی خشونت در میان والدین و فرزندان، ۸۴.۵ درصد است و میانگین شدت آن برابر ۱۳ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ است. در میان ابعاد مختلف خشونت بین زوجین، خشونت روانی با میزان شیوع ۷۵.۵ درصد و با میانگین

*نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ایران
haghighimohsen804@gmail.com

**استادیار جامعه‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی، ایران
iraj_faizi@yahoo.com



شدت ۱۴.۴۲ دارای بیشترین شیوع و شدت است. همچنین در میان ابعاد مختلف خشونت بین والدین و فرزندان، خشونت روانی با میزان شیوع ۸۱.۶ درصد و با میانگین شدت ۲۳.۸۴ دارای بیشترین شیوع و شدت است.

واژه‌های کلیدی: خشونت فیزیکی، خشونت روانی، خشونت جنسی، خشونت اقتصادی و خشونت کلامی.

مقدمه

خانواده، یکی از ارکان و نهادهای اصلی جامعه به شمار می‌رود که بخشی از تکوین و پرورش شخصیت افراد در آن شکل می‌گیرد. این نهاد هنگامی کارکرد خود را به‌درستی انجام می‌دهد که دچار نابسامانی و آشفتگی نباشد. خشونت خانگی، یکی از عوامل و مظاهر این آشفتگی و نابسامانی است.

خشونت خانگی^۱، شایع‌ترین نوع خشونت در سراسر جهان است که به‌رغم تفاوت‌های فرهنگی، دینی، اقتصادی و اجتماعی بین ملت‌ها و فرهنگ‌ها، تمامی مرزهای جغرافیایی و سیاسی را درنوردیده و به پدیده جهانی، فراتاریخی و فرافرهنگی بدل شده است. امروزه خشونت خانگی به یک پدیده جهان‌شمول مبدل گردیده و تأثیرات آن باعث نابسامانی‌های مختلف در جوامع و فرهنگ‌های جهان گردیده است. به همین علت، بیشترین قربانیان خشونت را در جهان، قربانیان خشونت خانگی تشکیل می‌دهند (منیر و دیگران، ۱۳۸۸: ۵). از این‌رو از مهم‌ترین موضوعات در بررسی مسائل اجتماعی در جوامع به شمار می‌آید. برآوردهای منتشرشده سازمان جهانی بهداشت^۲ در سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد که در سراسر جهان از هر سه زن (۳۰ درصد)، یک زن در طول زندگی خود مورد خشونت فیزیکی و یا جنسی شریک صمیمی قرار گرفته است.^۳

در ایران نیز خشونت خانگی جزء آسیب‌ها و مسائل اجتماعی کشور بوده است. بر اساس پژوهش قاضی طباطبایی و همکاران (۱۳۸۳)، ۶۶ درصد زنان ایرانی از ابتدای زندگی مشترکشان تاکنون، حداقل یک‌بار مورد خشونت قرار گرفته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از میان انواع خشونت خانگی در میان زنان ایرانی، خشونت‌های روانی و کلامی با ۵۲/۷ درصد در رتبه نخست و خشونت فیزیکی با ۳۷/۸ درصد در رتبه دوم قرار دارد. همچنین تعداد معاینات نزاع مربوط به مدعیان همسرآزاری در سال‌های اخیر رو به رشد بوده است و از ۵۲۰۸۹ نفر در سال ۱۳۸۸ به ۸۳۶۴۶ نفر در سال ۱۳۹۷ رسیده و حدود ۶۱ درصد رشد داشته است (ر.ک: سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۷).

1. Domestic Violence

2. World Health Organization

3. www.who.int

با وجود تحقیقات و پژوهش‌های متعددی که درباره خشونت خانگی در ایران صورت گرفته، غیر از پژوهش قاضی طباطبایی و همکاران (۱۳۸۳)، هیچ پژوهشی که وضعیت خشونت خانگی را در جامعه ایران در سطح ملی مشخص کند، صورت نگرفته است. سایر پژوهش‌ها یا منحصر به یک جامعه آماری محدود هستند و یا بر اساس مراجعات صورت گرفته به دادگاه‌ها، بیمارستان‌ها، پزشکی قانونی و... انجام شده است و در نتیجه نمی‌تواند میزان خشونت خانگی در جامعه ایرانی را نشان دهد.

پژوهش حاضر، تحلیل ثانویه طرح پیمایش ملی خانواده است که در سال ۱۳۹۷ فیضی و ابراهیمی انجام داده‌اند. طرح یادشده علاوه بر اینکه در سطح ملی انجام شده، خشونت خانگی را در ابعاد مختلف (فیزیکی، روانی، اقتصادی، کلامی و جنسی) و در بین افراد مختلف در خانواده (زوجین، والدین و فرزندان) سنجیده است. بر این اساس پژوهش حاضر به دنبال آن است تا با تحلیل ثانویه طرح یادشده، توصیف قابل تعمیمی از وضعیت خشونت خانگی در جامعه ایرانی به شکل کلی و همچنین در ابعاد مختلف ارائه کند.

پیشینه تجربی پژوهش

قاضی طباطبایی و همکاران (۱۳۸۳) به پژوهشی با عنوان «تحقیق ملی بررسی خشونت خانگی علیه زنان» پرداخته‌اند. نمونه مورد مطالعه این پژوهش، ۱۲۵۹۵ زن و ۲۰۶۶ مرد متأهل در ۲۸ استان کشور بوده است. برآورد کلی انجام‌شده مربوط به گستره خشونت خانگی در ۲۸ مرکز استان کشور نشان می‌دهد که ۶۶ درصد زنان ایرانی، از ابتدای زندگی مشترکشان تاکنون، حداقل یک‌بار مورد خشونت قرار گرفته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که زنان ایرانی از میان انواع خشونت خانگی، بیشتر تحت خشونت‌های روانی و کلامی (۵۲/۷ درصد) قرار دارند. رتبه بعدی از آن خشونت فیزیکی است که ۳۷/۸ درصد از زنان ایرانی از اول زندگی مشترک خود، آن را تجربه کرده‌اند. رتبه سوم با رقم ۲۷/۷ درصد متعلق به «خشونت‌های ممانعت از رشد اجتماعی، فکری و آموزشی» است. خشونت‌های جنسی و ناموسی با رقم ۱۰/۲ درصد، پایین‌ترین رتبه را دارد.

کریمی (۱۳۸۶) به پژوهشی با عنوان «وضعیت خشونت خانگی علیه زنان و عوامل

مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر قم)» پرداخته است. نمونه آماری این پژوهش، ۳۸۱ نفر از زنان متأهل شهر قم که حداقل یک سال از ازدواجشان می‌گذرد، بوده است. بر اساس نتایج این پژوهش در بین انواع خشونت (فیزیکی، روانی، جنسی و مالی)، خشونت روانی، بیشترین فراوانی را داشت و نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان داد که اختلاف عقاید و سلیق، نگرش اقتدارگرایانه مرد از نقش خود و تجربه و مشاهده خشونت در دوران کودکی توسط مرد از جمله مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در خشونت علیه زنان است. وامقی و همکاران (۱۳۸۶) به پژوهشی با عنوان «مواجهه با خشونت خانگی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران» پرداخته‌اند. نمونه آماری این پژوهش، ۱۴۹۵ دانش‌آموز دوره متوسطه شهر تهران بوده است و بر اساس نتایج آن، شیوع مواجهه با خشونت جسمی میان والدین در این مطالعه، ۲۲.۸ درصد برآورد شده و در ۵۹.۸ درصد موارد به صورت مشاهده صحنه خشونت بوده است. دختران تقریباً دو برابر پسران، مواجهه با خشونت را گزارش نموده‌اند. پدران در ۵۴.۳ درصد موارد تنها مرتکب خشونت بوده‌اند. این مواجهه درازمدت بوده و در آنهایی که بیش از یک‌بار اتفاق افتاده، به طور متوسط ۵.۱ سال طول کشیده است.

جان‌آبادی (۱۳۹۵) به پژوهشی با عنوان «مطالعه مقایسه‌ای نوع و میزان خشونت خانگی تجربه‌شده توسط زنان و مردان متأهل شهر زابل» پرداخته است. نمونه مورد مطالعه این پژوهش، ۳۸۲ نفر از مردان و زنان متأهل شهر زابل بوده است. بر اساس نتایج این پژوهش، مردان بیشتر خشونت روانی، اجتماعی، جنسی، فیزیکی و اقتصادی و زنان بیشتر خشونت اجتماعی، اقتصادی، جنسی، فیزیکی و روانی را تجربه می‌کنند. همچنین خشونت خانگی با متغیرهای همدلی، همفکری، تجربه خشونت در دوران کودکی، حمایت اجتماعی، قدرت اقتصادی و دین‌داری، رابطه‌ای معناداری دارد. همه‌ی این متغیرها، ۵۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته (خشونت خانگی) را تبیین کرده‌اند.

طرح تحقیقاتی ملی در سال ۲۰۰۹ و در مؤسسه جمعیت دانشگاه هاجتپه^۱ با عنوان «خشونت خانگی علیه زنان در ترکیه» در نمونه بالغ بر ۲۴۰۴۸ نفر از زنان کشور ترکیه صورت گرفته است. بر اساس نتایج این پژوهش در سال ۲۰۰۹، ۳۹ درصد از زنان در

ترکیه در معرض خشونت جسمی، ۱۵ درصد از آنها در معرض خشونت جنسی و ۴۴ درصد از آنها در معرض خشونت عاطفی قرار دارند.

الگوسین^۱ و همکاران (۲۰۱۹) به پژوهشی با عنوان «شیوع خشونت شریک زندگی علیه زنان در جهان عرب: یک مرور نظام‌مند» پرداختند. این پژوهش با هدف خلاصه کردن نتایج خشونت جسمی، جنسی و عاطفی یا روان‌شناختی شریک زندگی علیه زنان در ۲۲ کشور عضو اتحادیه عرب صورت گرفته است. در این پژوهش، داده‌های شیوع خشونت شریک زندگی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ بررسی شده و شامل ۴۶ مجموعه داده جداگانه از مجله‌های بررسی شده و ۱۱ نظرسنجی ملی است که برنامه‌های تحقیقاتی بین‌المللی و یا دولت‌ها منتشر کرده‌اند. شیوع خشونت شریک زندگی گزارش شده از ۶ درصد تا بیش از نیمی (۵۹ درصد)، فیزیکی، از ۳ تا ۴۰ درصد، جنسی و از ۵ تا ۹۱ درصد، عاطفی/روانی بود. روش‌ها و تعاریف عملیاتی خشونت، به‌ویژه برای خشونت شریک زندگی عاطفی/روانی، بسیار متفاوت بوده است.

نقد و بررسی پیشینه پژوهش

- ۱- «خشونت خانگی» هر شکلی از خشونت اعم از کلامی، روانی، فیزیکی، جنسی و... است که هر یک از اعضای خانواده از جمله مردان، زنان، والدین، فرزندان و... صرف‌نظر از اینکه کجا اتفاق افتاده باشد، انجام می‌دهند. سایر اصطلاحاتی که در این زمینه استفاده می‌شود از جمله همسرآزاری، شوهرآزاری، خشونت علیه زنان و... کاملاً مترادف نیستند و هر کدام بر یک بعد، گروه و جامعه هدف، بیشتر تأکید دارد.
- ۲- در بررسی اولیه بسیاری از پژوهش‌ها درباره خشونت خانگی مشاهده شد که بسیاری از آنها صرفاً به سراغ زنان آسیب‌دیده رفته‌اند. روشن است که نتایج آن پژوهش‌ها قابل تعمیم به کل افراد آن شهر نبود و بنابراین با توجه به هدف این پژوهش از پیشینه کار کنار گذاشته شد. همچنین جامعه آماری پژوهش‌های یادشده اغلب شامل زنان و دختران بوده است.
- ۳- در ارتباط با گستره جغرافیایی جامعه هدف در پژوهش‌های یادشده نیز می‌توان

گفت که به غیر از پژوهش قاضی طباطبایی و همکاران (۱۳۸۳)، هیچ پژوهشی مشاهده نشد که وضعیت خشونت خانگی را در جامعه ایران به طور کلی مشخص کند. در همین کار هم نوع گزارش خشونت خانگی به شکل درصد است؛ به شکلی که اگر در یکی از ابعاد مختلف خشونت خانگی، فردی به یک گویه شش گزینه‌ای، پاسخی جز «اصلاً» داده است جزء آمار درصد کلی خشونت خانگی محاسبه شده است. به عبارتی در گزارش در دسترس از این کار، به شدت خشونت مود توجه نشده و فقط وجود خشونت ملاک توصیف قرار گرفته است و همین گزارش هم مبنای ارجاع در بسیاری از پژوهش‌ها بوده است.

۴- نحوه سنجش خشونت در پژوهش‌های گوناگون داخلی و خارجی، متفاوت است و این مسئله باعث می‌شود که در سنجش ابعاد مختلف خشونت خانگی، بازه گسترده و متفاوتی از نرخ‌ها را شاهد باشیم.

چارچوب نظری

رویکردهای گوناگونی برای نگاه به مسائل اجتماعی جامعه ایران به طور عام و خشونت خانگی به طور خاص وجود دارد. بر مبنای نظریه منابع، خانواده مانند هر نظام اجتماعی دیگری دارای سلسله‌مراتبی از اقتدار است و هر کسی که به منابع مهم خانواده، بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد، می‌تواند دیگر اعضا را به فعالیت در جهت اهداف خود مجبور کند. بر این اساس در جامعه ایرانی که در حال گذار از بافت سنتی به مدرن است، هرچه اشخاص (به‌ویژه زنان با گرایش‌های فمینیستی) به منابع بیشتری از قبیل درآمد، تحصیلات و به طور کلی پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتری دست یابند، هنجارهای سنتی را که در تقابل با منافع و حقوق خود می‌دانند، بیشتر زیر پا خواهند گذاشت و این زیر پا گذاشتن هنجارها در تقابل با هنجارهای جامعه مردسالار باعث افزایش موارد اختلاف و تعارض بین زوجین خواهد شد (ر.ک: علیوردی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۰).

اگر در شیوه‌های حل اختلاف، یادگیری اجتماعی و جامعه‌پذیری صورت نگرفته باشد، یا اینکه این یادگیری اجتماعی به شکل معکوس و با مشاهده خشونت بین والدین در خانواده پدری و الگوپذیری فرد از والدین صورت گرفته باشد، این تغییر در ساختار

قدرت در کنار تضاد هنجاری یا ارزشی، زمینه‌ساز خشونت خانگی می‌شود. از طرفی انتظار می‌رود که با افزایش طول مدت ازدواج و سن، زوجین به تدریج به توفیقاتی در تعامل با یکدیگر دست یابند و میزان خشونت بین زوجین کاهش یابد (ر.ک: صادقی، ۱۳۸۹).

در نظریه فشار عمومی اگنیو، بر پیچیده بودن فشار در جامعه مدرن تأکید می‌شود. از این رو در نظریه فشار عمومی وی، با توسعه نظریات قبلی فشار بر سه منبع اصلی فشار اشاره می‌شود که این منابع عبارتند از: فشار ایجادشده به خاطر شکست در دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، حذف محرک‌های ارزشمند مثبت، حضور محرک‌های منفی. بر این مبنا در مورد خانواده ایرانی می‌توان گفت که فشارهای اقتصادی موجود بر زوجین در خانواده ایرانی که به تبع آن فشارهای شغلی را با خود به همراه دارد و فشار شغلی به طرق گوناگون و از جنبه‌های مختلف می‌تواند در نظام خانواده و ایفای نقش‌های زوجین اختلال ایجاد کند و منجر به خشونت بین زوجین گردد (علیوردی‌نیا و یوسفی، ۱۳۹۳: ۶۶).

از یک طرف فرد برای تأمین معاش و اجتناب از بیکاری ممکن است تن به شغلی بدهد که آن را در شخصیت خود نداند و دچار تناقض بین نقش و شخصیت گردد. از طرف دیگر ممکن است کار کردن مرد به تنهایی برای تأمین هزینه‌های زندگی کافی نباشد و لازم باشد برای تأمین مخارج و هزینه‌های زندگی، زن هم‌پای مرد کار کند. از طرف دیگر فرهنگ جامعه ایرانی، مرد را مسئول تأمین معاش خانواده می‌داند و این موضوع، زن را دچار تناقض در هنجارهای نقش همسری می‌کند (کمک اقتصادی به شوهر یا حفظ عزت نفس او). از سوی دیگر در فضای فرهنگ جامعه ایران، انجام کارهای خانه جزء وظایف زن دانسته می‌شود و مردان کمتر در امور خانه مشارکت می‌کنند و این خود موجب ایجاد گران‌باری نقش‌های گوناگون زن و طاقت‌فرسا بودن آن برای او و یا منجر به تناقض در هنجارهای نقش‌های موقعیت‌های گوناگون (مثلاً هنجارهای نقش مادری و همسری در مقابل نقش کارمندی) می‌گردد (ر.ک: اوراعی و دیگران، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر کار کردن زوجین می‌تواند منجر به کاهش اختصاص زمان مناسب برای خانواده (به لحاظ کمی) و نوع رابطه با اعضای خانواده (به لحاظ کیفی) گردد. هر یک از این شرایط به طرق گوناگون و با افزایش تعارضات بین زوجین و در کنار شیوه‌های اعمال قدرت سلطه‌جویانه می‌تواند زمینه‌ساز خشونت خانگی بین زوجین

گردد. به طور کلی بر مبنای این نظریه می‌توان گفت که حذف هر ارزش مثبت یا حضور هر محرک منفی در نهاد خانواده می‌تواند با ایجاد فشار اجتماعی روی هر یک از اعضای خانواده، احتمال خشونت بین زوجین را افزایش دهد. از جمله این موارد می‌توان به کاهش اعتماد خانوادگی و کاهش رضایت جنسی در خانواده ایرانی اشاره کرد که می‌تواند باعث خشونت خانگی گردد و فشار ناشی از خشونت خانگی بین زوجین خود می‌تواند منجر به کاهش رضایت از زندگی، افزایش احتمال طلاق و افزایش رفتارهای انحرافی همچون روابط خارج از چارچوب خانواده و... گردد.

در ارتباط با خشونت خانگی و خانواده ایرانی باید توجه داشت که خشونت خانگی، یکی از مفاهیم کلی است که خود دارای ابعاد مختلف روانی، جسمی، جنسی، اقتصادی و کلامی است. خشونت خانگی، یک تعامل نامتقارن است و برای فهم آن در فضای خانواده باید به این جنبه تعاملی بودن آن (بین زوجین) توجه شود. هرچند اغلب فضایی که از این واژه در اذهان شکل گرفته، بیشتر یکی از انواع خشونت (خشونت فیزیکی) و علیه یکی از اعضا (بیشتر زنان) را تداعی می‌کند، در جامعه امروز با توجه به تغییر شکل روابط و تعاملات در فضای خانواده (از سنتی به مدرن) باید به اشکال دیگر و جهت‌های دیگر آن (علیه مردان، فرزندان و والدین) نیز پرداخته شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به دنبال تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ملی خانواده در موضوع خشونت خانگی است که جهاد دانشگاهی البرز در سال ۱۳۹۷ و در سطح ملی اجرا کرده است. جامعه آماری پژوهش یادشده، کلیه افراد بالای ۱۵ سال در جامعه شهری ایران است و با روش نمونه‌گیری تصادفی صورت گرفته است. حجم نمونه شامل ۵۰۲۷ نفر است که از این میان، ۳۸۱۵ نفر متأهل و ۱۲۱۲ نفر مجرد هستند. بر این اساس متغیرهای مورد سنجش در انجام این تحلیل ثانویه، یعنی خشونت بین زوجین و خشونت بین والدین و فرزندان (هر کدام در ابعاد مختلف)، از ترکیب برخی گویه‌های پیمایش مذکور ایجاد شده و مبنای تحلیل قرار گرفته است.

نحوه آماده‌سازی داده‌های ثانویه برای تحلیل

با توجه به پیشینه تجربی و چارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش، توصیف وضعیت خشونت خانگی در پنج بعد (فیزیکی، روانی، اقتصادی، کلامی و جنسی) و شش دسته (در تعاملات بین زوجین، علیه زنان، علیه مردان، در تعاملات بین والدین و فرزندان، علیه والدین و علیه فرزندان) صورت گرفته است.

همچنین به جهت یکدست کردن داده‌ها و فراهم کردن امکان ساخت شاخص، گویه‌های مورد استفاده به شیوه زیر هم‌جهت و هم‌مقیاس شدند. در گام نخست، جهت کلیه گویه‌های مورد استفاده برای هر شاخص یکسان شد. در گام دوم، حاصل جمع گویه‌های هم‌جهت شده به عنوان شاخص سنجش تعریف شد. در گام سوم به منظور امکان مقایسه نمره‌های گویه‌های مرتبط با خشونت خانگی در خانواده و ابعاد آن و سهولت در فهم این نمره‌ها، شاخص‌های مربوط به خشونت با روش زیر بین صفر تا صد مقیاس یافته‌اند:

$$s = \frac{x - \min}{\max - \min} * 100$$

S: نمره متغیر در مقیاس جدید X: نمره متغیر در مقیاس قبلی

min: کمترین نمره متغیر در مقیاس قبلی max: بیشترین نمره متغیر در مقیاس قبلی

صورت کسر رابطه، تفاضل نمره متغیر و مقدار کمینه و مخرج کسر، تفاضل مقادیر بیشینه و کمینه شاخص است. بر اساس این تغییر مقیاس، کمترین نمره‌ای که هر متغیر دارد، صفر و بیشترین مقدار صد است (چلی و جنادله، ۱۳۸۶: ۱۴۷؛ قاسمی، ۱۳۹۳: ۹۱).

بررسی اعتبار و پایایی و تعریف عملیاتی عوامل

همان‌طور که ذکر شد، شاخص‌سازی و تعیین عوامل در این پژوهش با استفاده از گویه‌های پیمایش ملی خانواده در سال ۱۳۹۷ و بهره‌گیری از شیوه اعتبار معیار و رجوع به متون علمی و استفاده از داوری اجتماع علمی صورت گرفته است. در باب پایایی این پژوهش هم با توجه به به‌کارگیری داده‌های ثانویه موجود و در دسترس در این پژوهش، می‌توان گفت که اگر سایر پژوهشگران به همین داده‌ها رجوع کرده، با همین روش به

تحلیل داده‌ها بپردازند، به همین نتایج دست خواهند یافت. در جدول (۱)، شاخص‌ها^(۱) و گویه‌های مورد استفاده به تفکیک آورده شده است:

جدول ۱- گویه‌ها و متغیرهای سازنده شاخص‌های پژوهش

شاخص	ابعاد	گویه‌ها و متغیرها
خشونت بین زوجین ^(۲)	کلامی	فحش و ناسزا
		توهین به نزدیکان
		تحقیر کردن
	روانی	شک و تردید
		فریاد زدن
		کنترل مداوم
		تهدید به ارتباط جنسی با فرد دیگر
	فیزیکی	بی‌توجهی به همسر
		کتک زدن
		پرتاب اشیا
		تهدید با چاقو یا وسایل دیگر
	اقتصادی	هل دادن
		ندادن خرجی
		کنترل دائمی مخارج
	جنسی	پنهان کردن میزان درآمد
		رابطه جنسی بدون رضایت
قطع رابطه جنسی		
رفتار جنسی غیر متعارف بدون رضایت		
		اجبار به رابطه جنسی حین عادت ماهیانه

در مقابل هر گویه، دو شاخه شش گزینه‌ای (اصلاً، خیلی کم، کم، تا حدودی، زیاد، خیلی زیاد) قرار داده شده است که شاخه اول، رفتار فرد پاسخگو (اگر متأهل است، نسبت به همسر و اگر مجرد است، نسبت به والدین) را در گویه مورد نظر می‌سنجد و شاخه دوم، رفتاری را که فرد پاسخگو علیه خود (اگر متأهل است، در رفتار همسرش و

اگر مجرد است، در رفتار والدینش) مشاهده می‌کند، بررسی می‌نماید.

همچنین خشونت خانگی در دسته‌های زیر بررسی شده است:

- خشونت در تعاملات بین زوجین: مجموع میزان خشونت است که در رفتار یک فرد متأهل نسبت به همسر خود و در رفتار همسرش نسبت به او وجود دارد.
- خشونت علیه زنان: میانگین بین خشونت که زنان پاسخگو نسبت به خودشان ابراز کرده‌اند، با خشونت که به گفته مردان پاسخگو در رفتار آنها نسبت به همسرانشان وجود داشته است.
- خشونت علیه مردان: میانگین بین خشونت که مردان پاسخگو نسبت به خودشان ابراز کرده‌اند، با خشونت که به گفته زنان پاسخگو در رفتار آنها نسبت به شوهرانشان وجود داشته است.
- خشونت بین والدین و فرزندان: مجموع میزان خشونت است که از نظر یک فرد مجرد، در رفتار او نسبت به والدین و در رفتار والدینش نسبت به او وجود دارد.
- خشونت علیه والدین: میزان خشونت است که از نظر یک فرد مجرد، در رفتار او نسبت به والدینش وجود دارد.
- خشونت علیه فرزندان: میزان خشونت است که از نظر یک فرد مجرد، در رفتار والدینش نسبت به او وجود دارد.

یافته‌ها

داده‌های این تحلیل ثانویه، حاصل نتایج پیمایش ملی خانواده در سال ۱۳۹۷ است که ۵۰۲۷ نفر از شهروندان بالای ۱۵ سال جامعه ایران تکمیل کرده‌اند و اساس تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس سطوح سنجش متغیرها انجام گرفته است. ابتدا توصیفی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان ارائه خواهد شد و پس از آن به توصیف وضعیت شاخص خشونت خانگی بین زوجین و بین والدین و فرزندان به طور کلی و در ابعاد مختلف پرداخته خواهد شد.

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

اولین مرحله در اکثر تحلیل‌ها، یافتن تصویری از توزیع متغیرهای جمعیت‌شناختی

است؛ زیرا متغیرهای زمینه‌ای پهنه اصلی، استقرار متغیرهای مورد بررسی هر مطالعه است. این تصویر نه تنها تصویری سودمند در تحلیل است، بلکه غالباً شناختی که برای تحلیل‌های بعدی لازم است، فراهم می‌آورد. در این بخش، داده‌هایی مرتبط با ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان و نحوه توزیع آنها بررسی می‌شود. این اطلاعات شامل جنس، گروه‌های سنی و تحصیلات است. از آنجا که توصیف وضعیت خشونت خانگی هم بین زوجها (متأهلان) و هم بین والدین و فرزندان (مجردها) صورت گرفته است، متغیرهای زمینه‌ای جنس، گروه‌های سنی به تفکیک وضعیت تأهل در قالب جداول توزیع فراوانی توصیف شده‌اند.

۱- جنس

جدول شماره (۲)، توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب جنسیت را به تفکیک وضع تأهل نشان می‌دهد. از ۵۰۲۷ نفر نمونه آماری این پژوهش، ۲۳۴۶ نفر از پاسخگویان، مرد و ۲۶۸۱ نفر، زن هستند. در مفهومی دیگر، ۴۶.۷ درصد افراد انتخاب‌شده برای نمونه آماری این تحقیق، مردان و ۵۳.۳ درصد زنان هستند. در این میان همچنین حدود ۷۶ درصد پاسخگویان را متأهلان و ۲۴ درصد را مجردان تشکیل می‌دهند.

جدول ۲- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب جنس و وضعیت تأهل

مجموع	زن	مرد	وضعیت	
			متأهل	مجرد
۱۲۱۲	۴۶۱	۷۵۱	تعداد	مجرد
۲۴.۱٪	۹.۲٪	۱۴.۹٪	درصد	
۳۸۱۵	۲۲۲۰	۱۵۹۵	تعداد	متأهل
۷۵.۹٪	۴۴.۲٪	۳۱.۷٪	درصد	
۵۰۲۷	۲۶۸۱	۲۳۴۶	تعداد	مجموع
۱۰۰.۰٪	۵۳.۳٪	۴۶.۷٪	درصد	

۲- توزیع سنی پاسخگویان

جدول شماره (۳) نشان‌دهنده توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب وضعیت سنی آنهاست. چنان‌که مشاهده می‌شود، بیشترین تعداد پاسخگویان (حدود ۴۵ درصد) در بازه سنی ۳۰ تا ۴۹ سال قرار دارند و افراد در بازه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال (حدود ۲۹ درصد)

در مرتبه بعدی قرار دارند. پس از آن، افراد بالای ۵۰ سال (حدود ۲۶ درصد) در رتبه بعدی قرار دارند.

جدول ۳- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب توزیع سنی پاسخگویان

مجموع	بالا از ۵۰	۴۹-۳۰	۲۹-۱۵	گروه سنی		
				تعداد	مجرد	وضعیت تأهل
۱۲۱۲	۱۶	۲۱۱	۹۸۵	تعداد		
۲۴.۱٪	۰.۳٪	۴.۲٪	۱۹.۶٪	درصد		
۳۸۰۵	۱۲۸۴	۲۰۳۲	۴۸۹	تعداد	متأهل	
۷۵.۹٪	۲۵.۶٪	۴۰.۵٪	۹.۷٪	درصد		
۵۰۲۷	۱۳۰۰	۲۲۴۳	۱۴۷۴	تعداد	مجموع	
۱۰۰.۰٪	۲۵.۹٪	۴۴.۷٪	۲۹.۴٪	درصد		

توصیف وضعیت خشونت خانگی در خانواده ایرانی

مرحله توصیف داده‌ها در تجزیه و تحلیل موضوع پژوهش، مهم‌تر از بخش تبیین است؛ زیرا بدون فهم چستی موضوع نمی‌توان به فهم چرایی آن نائل آمد. پیش از پرداختن به پرسش‌های «چرا»، ابتدا توصیف خوبی از جریان امور لازم است. تلاش برای دستیابی به این توصیف ممکن است فرصتی برای ایفای نقش و سهم مهمی در پیشرفت علمی باشد. برخی از دانشمندان اجتماعی استدلال کرده‌اند که توصیف خوب، تنها چیزی است که برای فهم کافی بسیاری از موضوعات لازم است. از این رو توصیف، بخش حیاتی پژوهش اجتماعی است (ر.ک: بلیکی، ۱۳۸۴). بنابراین این بخش به دنبال شرح دقیق موضوع پژوهش برخواهد آمد تا احتمالاً بتوان به توالی‌های منظم درباره امور رسید و یا شاید برخی مفاهیم را پروراند.

برای نیل به اهداف توصیفی یادشده و با توجه به سطح سنجش متغیرها از آماره گرایش به مرکز میانگین برای نشان دادن مرکز توزیع متغیرها و از آماره‌های پراکندگی (دامنه و انحراف معیار) برای نشان دادن گستره و تغییرپذیری داده‌ها حول مرکز توزیع استفاده شده است.

توصیف کلی خشونت در خانواده ایرانی

بر اساس نتایج این پژوهش، میزان شیوع خشونت بین زوجین در جامعه ایرانی، ۸۱.۱ درصد است. یعنی ۸۱.۱ درصد از زوجین در جامعه ایران، حداقل یکی از انواع خشونت (فیزیکی، روانی، اقتصادی، کلامی و جنسی) را تجربه کرده‌اند. بر اساس یافته‌های جدول (۴)، میانگین شدت «خشونت بین زوجین» جامعه ایرانی در مقیاس صفر تا صد، ۹.۰۶ است. انحراف معیار محاسبه شده برای این شاخص، ۱۱.۸۲ است. میزان شیوع خشونت بین والدین و فرزندان، ۸۴.۵ درصد است؛ یعنی ۸۴.۵ درصد از والدین و فرزندان در جامعه ایران حداقل یکی از انواع خشونت (فیزیکی، روانی، اقتصادی و کلامی) را تجربه کرده‌اند. میانگین شدت «خشونت بین والدین و فرزندان»، ۱۳ و انحراف از معیار آن، ۱۳.۲۵ است.

با مقایسه میانگین خشونت بین زوجین و خشونت بین والدین و فرزندان مشخص می‌شود که میزان خشونت در بین والدین و فرزندان به میزان تقریباً ۴ درجه بیشتر است. درباره وضعیت خشونت در خانواده ایرانی، چه به صورت کلی و چه در ابعاد مختلف باید توجه داشت که خشونت به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی شناخته می‌شود و میزان شدت و زیاد و کم بودن آن را باید در قالب یک آسیب اجتماعی فهم و بررسی کرد (برای مثال شبیه به میزان خودکشی در جامعه).

جدول ۴- وضعیت خشونت در خانواده ایرانی

عنوان	بین زوجین	بین والدین و فرزندان
تعداد معتبر	۳۶۲۹	۱۱۷۵
میانگین	۹.۰۶	۱۳
انحراف استاندارد	۱۱.۸۲	۱۳.۲۵
کمترین	۰	۰
بیشترین	۹۷.۷۸	۷۹.۱۷
دامنه	۹۷.۷۸	۷۹.۱۷

توصیف خشونت فیزیکی در خانواده

بر اساس نتایج این پژوهش، میزان شیوع خشونت فیزیکی بین زوجین در جامعه ایرانی، ۳۶.۳ درصد است. یعنی ۳۶.۳ درصد از زوجین در جامعه ایران، حداقل یکی از

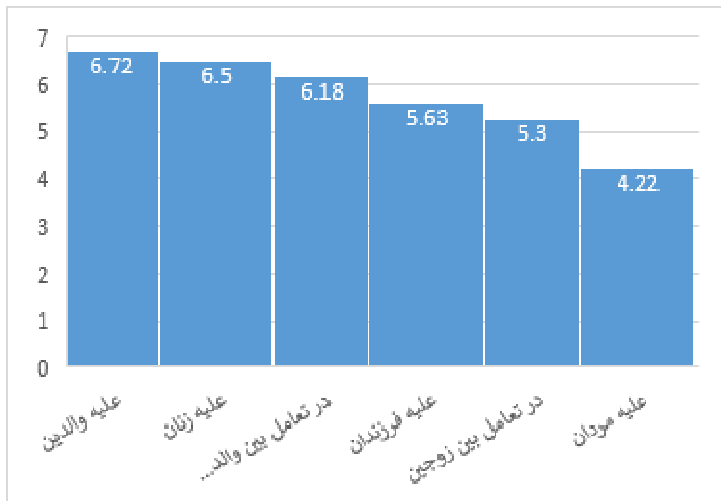
انواع خشونت فیزیکی را تجربه کرده‌اند. بر اساس یافته‌های جدول زیر، میانگین شدت «خشونت فیزیکی بین زوجین» جامعه ایرانی در مقیاس صفر تا صد، ۵.۳۰ است. انحراف معیار محاسبه‌شده برای این شاخص، ۱۱.۱۱ است.

میزان شیوع خشونت فیزیکی بین والدین و فرزندان در جامعه ایرانی، ۴۱.۷ درصد است. یعنی ۴۱.۷ درصد از والدین و فرزندان در جامعه ایران، حداقل یکی از انواع خشونت فیزیکی را تجربه کرده‌اند. همچنین میانگین شدت «خشونت فیزیکی بین والدین و فرزندان»، ۶.۱۷ و انحراف از معیار آن، ۱۱.۶۰ است. سایر تعاملات خشونت‌آمیز فیزیکی در فضای خانواده در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۵- شدت خشونت فیزیکی در خانواده در مقیاس صد

عنوان	در تعاملات بین زوجین	علیه زنان ^(۳)	علیه مردان	در تعاملات بین والدین و فرزندان	علیه والدین	علیه فرزندان ^(۴)
تعداد معتبر	۳۷۴۰	۳۷۶۷	۳۷۸۲	۱۱۹۷	۱۲۰۹	۱۱۹۹
میانگین	۵.۳۰	۶.۵۰	۴.۲۲	۶.۱۷	۶.۷۲	۵.۶۳
انحراف استاندارد	۱۱.۱۱			۱۱.۶۰	۱۳.۵۶	۱۲.۵۵
کمترین	۰			۰	۰	۰
بیشترین	۱۰۰			۹۰	۱۰۰	۱۰۰
دامنه	۱۰۰			۹۰	۱۰۰	۱۰۰

شکل (۱)، شمایی کلی از شدت خشونت فیزیکی در خانواده ایرانی را نشان می‌دهد. بر این اساس خشونت فیزیکی علیه والدین با میانگین ۶.۷۲ در مقیاس صفر تا صد، بیشترین میزان خشونت فیزیکی در فضای خانواده را در برمی‌گیرد و پس از آن، خشونت علیه زنان با میانگین ۶.۵ و خشونت در تعامل بین والدین و فرزندان با میانگین ۶.۱۸ قرار دارد.



شکل ۱- نمودار وضعیت میانگین شدت خشونت فیزیکی در خانواده

خشونت روانی در خانواده

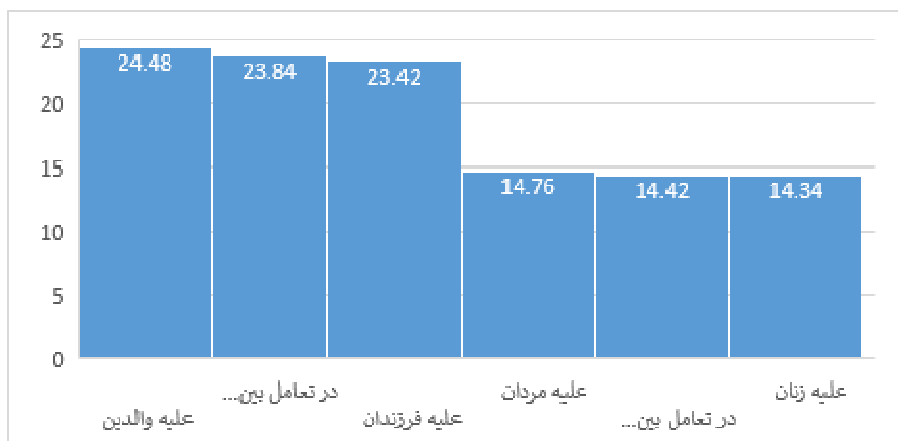
بر اساس نتایج این پژوهش، میزان شیوع خشونت روانی بین زوجین در جامعه ایرانی، ۷۵.۵ درصد است. یعنی ۷۵.۵ درصد از زوجین در جامعه ایران، حداقل یکی از انواع خشونت روانی را تجربه کرده‌اند. بر اساس یافته‌های جدول زیر، میانگین شدت «خشونت روانی بین زوجین» جامعه ایرانی در مقیاس صفر تا صد، ۱۴.۴۲ است. انحراف معیار محاسبه شده برای این شاخص، ۱۵.۷۷ است.

میزان شیوع خشونت روانی بین والدین و فرزندان در جامعه ایرانی، ۸۱.۶ درصد است. یعنی ۸۱.۶ درصد از والدین و فرزندان در جامعه ایران، حداقل یکی از انواع خشونت روانی را تجربه کرده‌اند. همچنین میانگین شدت «خشونت روانی بین والدین و فرزندان»، ۲۳.۸۴ و انحراف از معیار آن، ۲۰.۲۴ است. سایر تعاملات خشونت‌آمیز روانی در فضای خانواده در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۶- شاخص شدت خشونت روانی در خانواده در مقیاس صد

عنوان	در تعاملات بین زوجین	علیه زنان	علیه مردان	در تعاملات بین والدین و فرزندان	علیه والدین	علیه فرزندان
تعداد معتبر	۳۷۲۸	۳۷۵۸	۳۷۷۸	۱۱۹۷	۱۲۰۹	۱۲۰۰
میانگین	۱۴.۴۲	۱۴.۳۴	۱۴.۷۶	۲۳.۸۴	۲۴.۴۸	۲۳.۴۲
انحراف استاندارد	۱۵.۷۷			۲۰.۲۴	۲۲.۷۸	۲۳.۹۸
کمترین	۰			۰	۰	۰
بیشترین	۱۰۰			۹۳.۳۳	۱۰۰	۱۰۰
دامنه	۱۰۰			۹۳.۳۳	۱۰۰	۰۰

شکل (۲)، شمای کلی از شدت خشونت روانی در خانواده ایرانی را نشان می‌دهد. بر این اساس خشونت روانی علیه والدین با میانگین ۲۴.۴۸ در مقیاس صفر تا صد، بیشترین میزان خشونت روانی در فضای خانواده را در برمی‌گیرد و پس از آن، خشونت روانی در تعامل بین والدین و فرزندان با میانگین ۲۳.۸۴ و خشونت روانی علیه فرزندان با میانگین ۲۳.۴۲ قرار دارد.



شکل ۲- نمودار وضعیت میانگین شدت خشونت روانی در خانواده

خشونت کلامی در خانواده

بر اساس نتایج این پژوهش، میزان شیوع خشونت کلامی بین زوجین در جامعه ایرانی، ۴۰ درصد است. یعنی ۴۰ درصد از زوجین در جامعه ایران، حداقل یکی از انواع خشونت کلامی را تجربه کرده‌اند. بر اساس یافته‌های جدول (۷)، میانگین شدت «خشونت کلامی بین زوجین» جامعه ایرانی در مقیاس صفر تا صد، ۸.۹۵ است. انحراف معیار محاسبه شده برای این شاخص، ۱۶.۲۳ است.

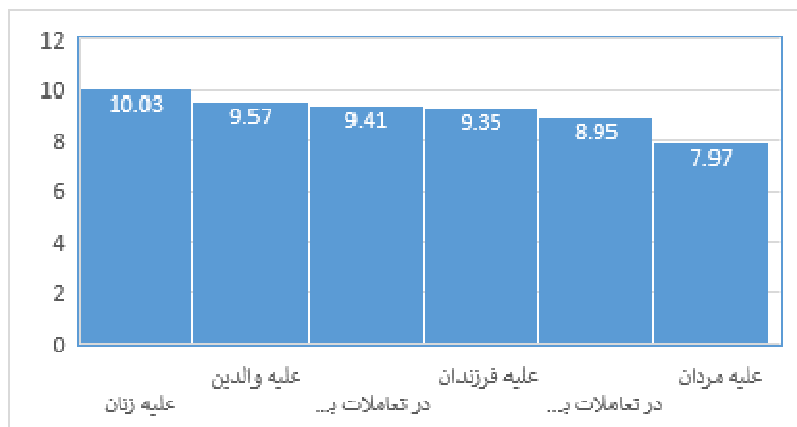
میزان شیوع خشونت کلامی بین والدین و فرزندان در جامعه ایرانی، ۴۴.۸ درصد است. یعنی ۴۴.۸ درصد از والدین و فرزندان در جامعه ایران، حداقل یکی از انواع خشونت کلامی را تجربه کرده‌اند. همچنین میانگین شدت «خشونت کلامی بین والدین و فرزندان»، ۹.۴۱ و انحراف از معیار آن، ۱۵.۹۴ است. سایر تعاملات خشونت‌آمیز کلامی در فضای خانواده در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۷- شاخص شدت خشونت کلامی در خانواده در مقیاس صد

عنوان	در تعاملات بین زوجین	علیه زنان	علیه مردان	در تعاملات بین والدین و فرزندان	علیه والدین	علیه فرزندان
تعداد معتبر	۳۷۳۹	۳۷۷۲	۳۷۸۳	۱۱۹۷	۱۲۰۸	۱۲۰۰
میانگین	۸.۹۵	۱۰.۰۳	۷.۹۷	۹.۴۱	۹.۵۷	۹.۳۵
انحراف استاندارد	۱۶.۲۳			۱۵.۹۴	۱۷.۴۰	۱۷.۷۷
کمترین	۰			۰	۰	۰
بیشترین	۱۰۰			۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
دامنه	۱۰۰			۱۰۰	۱۰۰	۰۰

شکل (۳)، شمای کلی از شدت خشونت کلامی در خانواده ایرانی را نشان می‌دهد. بر این اساس خشونت کلامی علیه زنان با میانگین ۱۰.۰۳ در مقیاس صفر تا صد، بیشترین میزان خشونت کلامی در فضای خانواده را در برمی‌گیرد و پس از آن، خشونت

کلامی علیه والدین با میانگین ۹.۵۷ و خشونت کلامی در تعاملات بین والدین و فرزندان با میانگین ۹.۴۱ قرار دارد.



شکل ۳- نمودار وضعیت میانگین شدت خشونت کلامی در خانواده

خشونت اقتصادی در خانواده

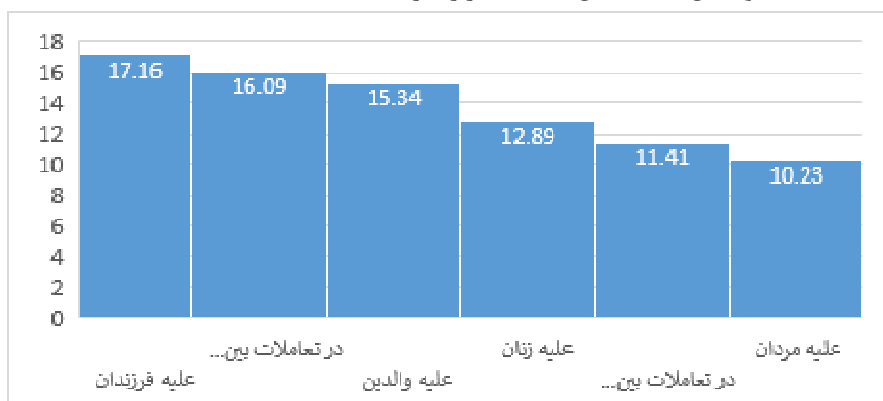
بر اساس نتایج این پژوهش، میزان شیوع خشونت اقتصادی بین زوجین در جامعه ایرانی، ۴۶.۷ درصد است. یعنی ۴۶.۷ درصد از زوجین در جامعه ایران، حداقل یکی از انواع خشونت اقتصادی را تجربه کرده‌اند. بر اساس یافته‌های جدول (۸)، میانگین شدت «خشونت اقتصادی بین زوجین» جامعه ایرانی در مقیاس صفر تا صد، ۱۱.۴۱ است. انحراف معیار محاسبه شده برای این شاخص، ۱۶.۸۰ است.

میزان شیوع خشونت اقتصادی بین والدین و فرزندان در جامعه ایرانی، ۵۸.۸ درصد است. یعنی ۵۸.۸ درصد از والدین و فرزندان در جامعه ایران، حداقل یکی از انواع خشونت اقتصادی را تجربه کرده‌اند. همچنین میانگین شدت «خشونت اقتصادی بین والدین و فرزندان»، ۱۶.۰۹ و انحراف از معیار آن، ۲۱.۵۳ است. سایر تعاملات خشونت‌آمیز اقتصادی در فضای خانواده در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۸- شاخص شدت خشونت اقتصادی در خانواده در مقیاس صد

عنوان	در تعاملات بین زوجین	علیه زنان	علیه مردان	در تعاملات بین والدین و فرزندان	علیه والدین	علیه فرزندان
تعداد معتبر	۳۶۸۹	۳۷۷۲	۳۷۲۶	۱۱۸۱	۱۱۹۳	۱۱۹۹
میانگین	۱۱.۴۱	۱۲.۸۹	۱۰.۲۳	۱۶.۰۹	۱۵.۳۴	۱۷.۱۶
انحراف استاندارد	۱۶.۸۰			۱۹.۰۶	۲۱.۵۳	۲۳.۰۹
کمترین	۰			۰	۰	۰
بیشترین	۱۰۰			۹۰	۱۰۰	۱۰۰
دامنه	۱۰۰			۹۰	۱۰۰	۰۰

شکل (۴)، شمای کلی از شدت خشونت اقتصادی در خانواده ایرانی را نشان می‌دهد. بر این اساس خشونت اقتصادی علیه فرزندان با میانگین ۱۷.۱۶ در مقیاس صفر تا صد، بیشترین میزان خشونت اقتصادی در فضای خانواده را در برمی‌گیرد و پس از آن، خشونت اقتصادی در تعاملات بین والدین و فرزندان با میانگین ۱۶.۰۹ و خشونت اقتصادی علیه والدین با میانگین ۱۵.۳۴ قرار دارد.



شکل ۴- نمودار وضعیت میانگین شدت خشونت اقتصادی در خانواده

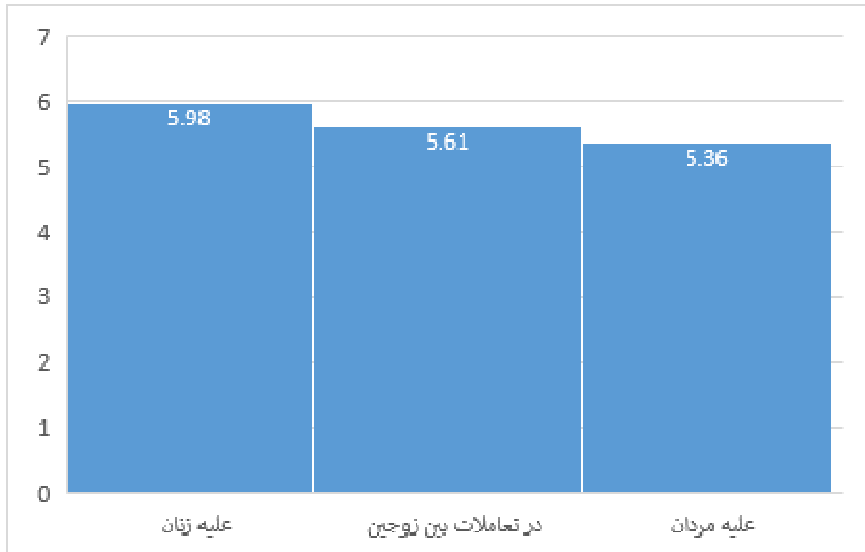
خشونت جنسی بین زوجین

بر اساس نتایج این پژوهش، میزان شیوع خشونت جنسی بین زوجین در جامعه ایرانی، ۳۴.۵ درصد است. یعنی ۳۴.۵ درصد از زوجین در جامعه ایران، حداقل یکی از انواع خشونت جنسی را تجربه کرده‌اند. بر اساس یافته‌های جدول (۹)، میانگین شدت «خشونت جنسی بین زوجین» جامعه ایرانی در مقیاس صفر تا صد، ۵.۶۱ و انحراف معیار محاسبه شده برای این شاخص، ۱۱.۷۸ است. همچنین میانگین خشونت جنسی علیه زنان، ۵.۹۸ و خشونت جنسی علیه مردان، ۵.۳۶ است.

جدول ۹- شاخص خشونت جنسی بین زوجین در مقیاس صد

عنوان	در تعاملات بین زوجین	علیه زنان	علیه مردان
تعداد معتبر	۳۶۸۷	۳۷۵۷	۳۷۳۵
میانگین	۵.۶۱	۵.۹۸	۵.۳۶
انحراف استاندارد	۱۱.۷۸		
کمترین	۰		
بیشترین	۱۰۰		
دامنه	۱۰۰		

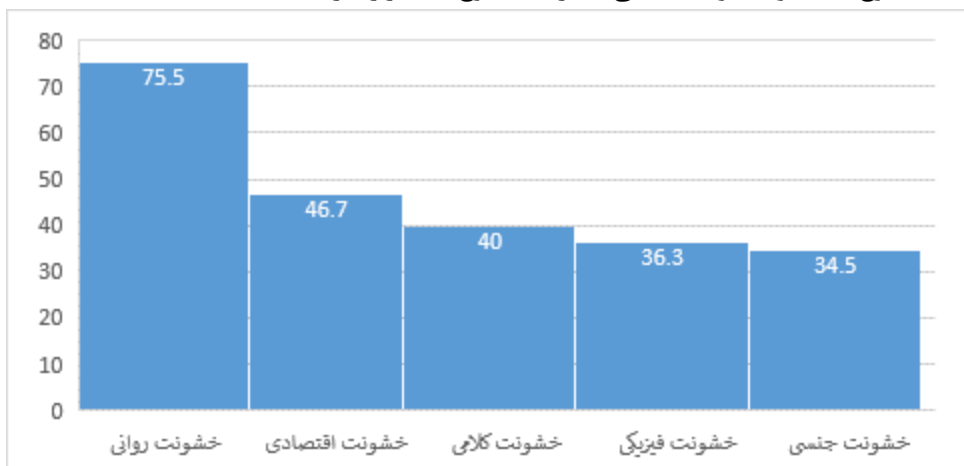
شکل (۵)، شمای کلی از شدت خشونت جنسی در خانواده ایرانی را نشان می‌دهد. بر این اساس خشونت جنسی علیه زنان با میانگین ۵.۹۸ در مقیاس صفر تا صد، بیشترین میزان خشونت جنسی در فضای خانواده را در برمی‌گیرد و پس از آن، خشونت جنسی در تعاملات بین زوجین با میانگین ۵.۶۱ و خشونت جنسی علیه مردان با میانگین ۵.۳۶ قرار دارد.



شکل ۵- نمودار وضعیت میانگین شدت خشونت جنسی بین زوجین

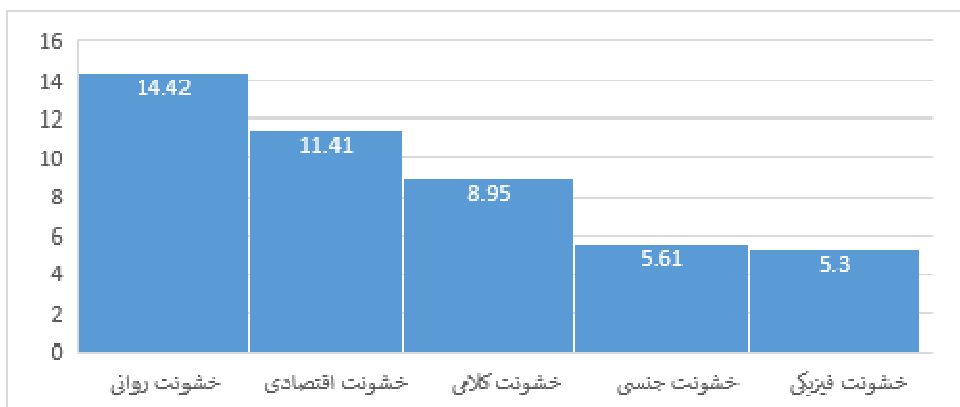
وضعیت خشونت خانگی در تعاملات بین زوجین

شکل (۶)، وضعیت درصد شیوع انواع خشونت خانگی را در تعاملات بین زوجین نشان می‌دهد. بر این اساس خشونت روانی بین زوجین با ۷۵.۵ درصد، دارای بیشترین میزان شیوع در بین انواع خشونت خانگی است. پس از آن، خشونت اقتصادی با درصد شیوع ۴۶.۷ و خشونت کلامی با درصد شیوع ۴۰ قرار دارد.



شکل ۶- نمودار مقایسه درصد شیوع انواع خشونت بین زوجین

شکل (۷)، وضعیت شدت انواع خشونت خانگی را در تعاملات بین زوجین نشان می‌دهد. بر این اساس خشونت روانی بین زوجین با میانگین ۱۴.۴۲ دارای بیشترین شدت در بین زوجین است و پس از آن، خشونت اقتصادی با میانگین ۱۱.۴۱ و خشونت کلامی با میانگین ۸.۹۵ قرار دارد.



شکل ۷- نمودار مقایسه میانگین‌های شدت انواع خشونت در تعاملات بین زوجین

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استناد به آمارها و نتایج نظرسنجی‌ها، همچنین با استناد به نظر نخبگان نشان داده شد که خشونت خانگی در ایران، مساله‌ای اجتماعی است. سپس در بررسی پژوهش‌های پیشین حول موضوع تحقیق، مشخص شد که در اکثر آنها، نخست توصیف قابل تعمیمی از وضعیت خشونت خانگی در جامعه ایرانی وجود ندارد و پژوهش‌های موجود یا به سراغ افراد آسیب‌دیده از خشونت رفته‌اند و یا منحصر به یک جامعه محدود (شهر، منطقه، دانشگاه و...) بوده‌اند و بنابراین قابلیت تعمیم به کل جامعه ایران، در هیچ‌یک از بخش‌های توصیف، تبیین و پیامدها را نداشته‌اند. دوم اینکه اکثر پژوهش‌های صورت گرفته به خشونت علیه زنان اشاره دارد و در بررسی پیشینه پژوهش، پژوهشی که به خشونت خانگی بین زوجین به شکل یک تعامل سرد پرداخته باشد، همچنین میزان خشونت بین والدین و فرزندان را بسنجد، مشاهده نشد.

پس از تشریح روش انجام کار و تعریف عملیاتی شاخص‌های پژوهش، به آماده‌سازی داده‌های موجود و در دسترس برای تحلیل پرداخته شد. سپس توصیفی از وضعیت خشونت خانگی در جامعه ایران در تعاملات بین زوجین، تعاملات بین والدین و فرزندان، علیه زنان، علیه مردان، علیه والدین و علیه فرزندان به شکل کلی و همچنین در ابعاد مختلف فیزیکی، روانی، اقتصادی، کلامی و جنسی صورت گرفت. بر این اساس:

- میزان کلی شیوع خشونت بین زوجین در جامعه ایران، ۸۱ درصد است. این بدان معناست که ۸۱ درصد از زوجین در جامعه ایران، تجربه حداقل یکی از ابعاد خشونت خانگی (فیزیکی، روانی، کلامی، اقتصادی و جنسی) را داشته‌اند. میانگین شدت خشونت بین زوجین در جامعه ایرانی، ۹۰.۶ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ است.
- میزان شیوع خشونت فیزیکی بین زوجین در جامعه ایران، ۳۶ درصد است. این بدان معناست که ۳۶ درصد از زوجین در جامعه ایران، تجربه حداقل یکی از انواع خشونت فیزیکی را داشته‌اند. میانگین شدت خشونت فیزیکی بین زوجین در جامعه ایرانی، ۵.۳ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ است.
- میزان شیوع خشونت روانی بین زوجین در جامعه ایران، ۷۵.۵ درصد است. این بدان معناست که ۷۵.۵ درصد از زوجین در جامعه ایران، تجربه حداقل یکی از انواع خشونت روانی را داشته‌اند. میانگین شدت خشونت روانی بین زوجین در جامعه ایرانی، ۱۴.۴ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ است.
- میزان شیوع خشونت کلامی بین زوجین در جامعه ایران، ۴۰ درصد است. این بدان معناست که ۴۰ درصد از زوجین در جامعه ایران، تجربه حداقل یکی از انواع خشونت روانی را داشته‌اند. میانگین شدت خشونت کلامی بین زوجین در جامعه ایرانی، ۸.۹۵ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ است.
- میزان شیوع خشونت اقتصادی بین زوجین در جامعه ایران، ۴۶.۷ درصد است. این بدان معناست که ۴۶.۷ درصد از زوجین در جامعه ایران، تجربه حداقل یکی از انواع خشونت اقتصادی را داشته‌اند. میانگین شدت خشونت اقتصادی بین زوجین در جامعه ایرانی، ۱۱.۴۱ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ است.
- میزان شیوع خشونت جنسی بین زوجین در جامعه ایران، ۳۴.۵ درصد است.

این بدان معناست که ۳۴.۵ درصد از زوجین در جامعه ایران، تجربه حداقل یکی از انواع خشونت جنسی را داشته‌اند. میانگین شدت خشونت جنسی بین زوجین در جامعه ایرانی، ۵.۶۱ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ است. در ارتباط با توصیف وضعیت خشونت بین زوجین در جامعه ایرانی، ذکر سه نکته ضروری به نظر می‌رسد:

۱- بر مبنای پژوهش قاضی طباطبایی (۱۳۸۳)، شیوع کلی خشونت خانگی علیه زنان، ۶۶ درصد بوده است و در این پژوهش نیز این میزان ۶۶ درصد به دست آمده است.^(۵) بر همین اساس:

- شیوع خشونت فیزیکی علیه زنان از ۳۸ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۲۸ درصد در سال ۱۳۹۷ رسیده است و با رشد^(۶) منفی ۲۶ درصدی همراه بوده است. این میزان شیوع برای زنان در کشور ترکیه بر اساس پژوهش دانشگاه هاجتپه (۲۰۰۹)، ۳۹ درصد بوده است.

- شیوع خشونت روانی و کلامی^(۷) علیه زنان از ۵۳ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۶۰ درصد در سال ۱۳۹۷ رسیده است و با رشد ۱۵ درصدی همراه بوده است. این میزان شیوع برای زنان در کشور ترکیه بر اساس پژوهش دانشگاه هاجتپه (۲۰۰۹)، ۴۴ درصد بوده است.

- شیوع خشونت اقتصادی علیه زنان از ۱۵ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۳۴ درصد در سال ۱۳۹۷ رسیده و با رشد ۱۲۶ درصدی همراه بوده است.

- شیوع خشونت جنسی علیه زنان از ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۲۶ درصد در سال ۱۳۹۷ رسیده است و با رشد ۱۶۰ درصدی همراه بوده است. این میزان شیوع برای زنان در کشور ترکیه بر اساس پژوهش دانشگاه هاجتپه (۲۰۰۹)، ۱۵ درصد بوده است.

بر این اساس می‌توان گفت که هرچند شیوع کلی خشونت خانگی علیه زنان، تغییری نکرده است، رشد آن در اکثر ابعاد نشان می‌دهد که افراد درگیر در خشونت، انواع بیشتری از خشونت را تجربه می‌کنند. مثلاً فرد درگیر در خشونت روانی، با احتمال بیشتری خشونت اقتصادی و خشونت جنسی را نیز تجربه می‌کند. هرچند نسبت به

شدت خشونت در پژوهش قاضی طباطبایی (۱۳۸۳)، اطلاعاتی در دست نیست، این مسئله بیانگر افزایش شدت خشونت خانگی علیه زنان نسبت به سال ۱۳۸۳ است.

۲- در ارتباط با میزان شیوع و شدت خشونت خانگی در خانواده باید توجه داشت که خشونت خانگی به عنوان یک آسیب اجتماعی شناخته می‌شود و میزان شدت و زیاد و کم بودن آن را باید در قالب یک آسیب فهم و بررسی کرد (برای مثال شبیه به میزان خودکشی در جامعه که رشد آن حتی در درصدهای پایین، معنادار و قابل توجه است). در این مقاله، میزان شیوع و شدت خشونت خانگی بدون قضاوت ارزشی صرفاً گزارش شده است و بحث و قضاوت درباره زیاد یا کم بودن شیوع و شدت خشونت، چه به طور کلی و چه در ابعاد مختلف، پژوهشی مجزا را می‌طلبد.

۳- به نظر می‌رسد که اختلاف فاحشی میان میزان شیوع و شدت خشونت بین زوجین و میزان ثبت شده از خشونت در کشور وجود دارد. برای نمونه، ۱ درصد از پاسخگویان در این پژوهش اذعان داشته‌اند که «کتک زدن» به عنوان یکی از انواع خشونت فیزیکی در رفتار همسرشان به میزان «خیلی زیاد» وجود دارد. این میزان در مقیاس صدهزار نفر به عدد هزار نفر می‌رسد. این در حالی است که بنا بر گزارش پزشکی قانونی در سالنامه آماری کشور، میانگین تعداد مدعیان همسرآزاری در سال ۱۳۹۷ (یعنی سال انجام این پژوهش) در کل کشور، ۱۰۲ در ۱۰۰ هزار نفر است.

در پایان و به عنوان نتیجه‌گیری درباره وضعیت خشونت خانگی بین زوجین باید گفت که این خشونت، دو جنبه دارد: یکی درصد شیوع خشونت و دیگری شدت خشونت و برای فهم وضعیت خشونت خانگی بین زوجین باید به هر دو جنبه آن توجه شود. همچنین باید توجه داشت که خشونت خانگی، مفهومی کلی است که خود دارای ابعاد مختلف روانی، جسمی، جنسی، اقتصادی و کلامی است. خشونت خانگی، یک تعامل است و برای فهم آن در فضای خانواده باید به این جنبه تعاملی بودن آن (بین زوجین) توجه شود. هرچند اغلب فضایی که از این واژه در اذهان شکل گرفته، بیشتر یکی از انواع خشونت (خشونت فیزیکی) و علیه یکی از اعضا (بیشتر زنان) را تداعی می‌کند، در جامعه امروز با توجه به تغییر شکل روابط و تعاملات در فضای خانواده (از سنتی به مدرن) باید به اشکال دیگر و جهت‌های دیگر آن (علیه مردان، فرزندان و والدین) نیز پرداخته شود. خشونت خانگی به عنوان یک تعامل سرد، در جامعه سنتی

گذشته بیشتر به شکل نابرابر (علیه زنان) و بیشتر در یک بعد (فیزیکی) بوده است؛ اما در جامعه امروز باید به سایر ابعاد و جنبه‌های آن بیشتر توجه شود.

همچنین بر مبنای چارچوب نظری و یافته‌های پژوهش در تبیین عوامل مرتبط با خشونت بین زوجین می‌توان حداقل دو مسیر منجر به خشونت بین زوجین را شناسایی کرد. نخست بر مبنای نظریه فشار عمومی اگنیو، درباره خانواده ایرانی می‌توان گفت که فشارهای اقتصادی موجود بر زوجین در خانواده ایرانی، احتمال افزایش فشارهای شغلی را بیشتر می‌کند و فشار شغلی به طرق گوناگون و از جنبه‌های مختلف می‌تواند در نظام خانواده و ایفای نقش‌های زوجین اختلال ایجاد کند و منجر به خشونت بین زوجین گردد. دوم اینکه بر مبنای نظریه منابع می‌توان گفت که خانواده مانند هر نظام اجتماعی دیگر، دارای سلسله مراتبی از اقتدار است و هر کسی که به منابع مهم خانواده بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد، می‌تواند دیگر اعضا را به فعالیت در جهت اهداف خود مجبور کند. بر این اساس در جامعه ایرانی که در حال گذار از بافت سنتی به مدرن است، و مرد، دیگر از جایگاه اقتداری خود همانند گذشته برخوردار نیست و زنان و فرزندان به تدریج در خانواده دارای سلسله مراتبی اقتدار هستند، به طوری که حتی در مواردی، زن‌سالاری و فرزندسالاری جایگزین مردسالاری شده است. بر این اساس هرچه اشخاص به منابع بیشتری دست یابند، هنجارهای سنتی را که در تقابل با منافع و حقوق خود می‌دانند، بیشتر زیر پا خواهند گذاشت و این زیر پا گذاشتن هنجارها در تقابل با هنجارهای گذشته باعث افزایش موارد اختلاف و تعارض بین زوجین خواهد شد و اگر در شیوه‌های حل اختلاف و اعمال قدرت، یادگیری اجتماعی و جامعه‌پذیری صورت نگرفته باشد، یا این یادگیری اجتماعی به شکل معکوس و با مشاهده خشونت بین والدین در خانواده پدری و الگوپذیری فرد از والدین صورت گرفته باشد، هر تغییر جدید در ساختار قدرت خانواده در کنار تضاد هنجاری یا ارزشی می‌تواند زمینه‌ساز خشونت بین زوجین شود.

پی‌نوشت

۱. مقدار آلفا در شاخص‌های یادشده، ۰.۰۵ است.
۲. به جز بعد جنسی و دو گویه از بعد روانی (بی‌توجهی به همسر و تهدید به ارتباط جنسی با

فرد دیگر)، سایر ابعاد و گویه‌ها درباره خشونت بین والدین و فرزندان نیز سنجیده شده‌اند. ۳. در پرسشنامه پیمایش ملی خانواده در بحث خشونت خانگی هم از فرد پاسخگو پرسیده شده که چقدر انواع خشونت خانگی در رفتار شما نسبت به همسران وجود دارد و هم پرسیده شده که چقدر انواع خشونت خانگی در رفتار همسران نسبت به شما وجود دارد. در این پژوهش شاخص خشونت علیه زنان از میانگین بین میزان خشونت که زنان پاسخگو ابراز کرده‌اند در رفتار همسرانشان وجود دارد و میزان خشونت که مردان پاسخگو ابراز کرده‌اند که در رفتار آنها نسبت به همسرانشان وجود دارد بدست آمده است. خشونت علیه مردان نیز به طریق مشابه محاسبه شده است. بدیهی است که امکان محاسبه انحراف استاندارد، کمترین و بیشترین داده با توجه به این نوع شاخص‌سازی (به شکل میانگین) وجود نداشته و بر همین اساس در این جدول و جداولی که در ادامه آمده، آورده نشده است.

۴. این شاخص، و به طور کلی انواع خشونت بین والدین و فرزندان صرفاً بر اساس نظر فرزندان ساخته شده است.

۵. لازم به توضیح است از آنجا که هدف این مقاله، سنجش خشونت در فضای خانواده و به-ویژه در تعاملات بین زوجین بوده است، درصدهای خشونت علیه زنان بر مبنای نظر خود زنان، صرفاً برای مقایسه با کار قاضی طباطبایی (۱۳۸۳) فقط در قسمت نتایج آورده شده است. همچنین باید توجه داشت که نحوه سنجش خشونت خانگی علیه زنان در این دو پژوهش عیناً شبیه به هم نیست و تفاوت‌هایی دارد.

۶. $100 \times \text{میزان خشونت اولیه} / (\text{میزان خشونت ثانویه} - \text{میزان خشونت اولیه}) = \text{نرخ رشد خشونت علیه زنان}$

۷. خشونت روانی و خشونت کلامی در کار قاضی طباطبایی با هم سنجیده شده است. بر همین مبنا در این بخش نیز برای فراهم شدن امکان مقایسه، این دو نوع خشونت با هم ادغام شده و درصد شیوع خشونت محاسبه شده است.

منابع

- اوراعی، غلامرضا و دیگران (۱۳۹۸) مبانی جامعه‌شناسی مفاهیم و گزاره‌های پایه، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴) طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشرنی.
- جان‌آبادی، سعید (۱۳۹۵) مطالعه مقایسه‌ای نوع و میزان خشونت خانگی تجربه‌شده توسط زنان و مردان متأهل شهر زابل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی.
- چلبی، مسعود و علی جنادله (۱۳۸۶) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر موفقیت اقتصادی»، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی (ویژه‌نامه جامعه‌شناسی)، شماره ۵۳، صص ۱۱۷-۱۵۴.
- سالنامه آماری پزشکی قانونی (۱۳۹۷) خلاصه سالنامه آماری پزشکی قانونی، تهران، مرکز آمار ایران.
- صادقی، سهیلا (۱۳۸۹) «خشونت خانگی و استراتژی‌های زنان در مواجهه با آن (مطالعه‌ای کیفی)»، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره اول، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۴۲.
- علیوردی‌نیا، اکبر و دیگران (۱۳۹۰) «تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان، مدلی نظری و آزمونی تجربی»، مجله مسائل اجتماعی ایران، دوره دوم، شماره ۲، صص ۹۵-۱۲۷.
- علیوردی‌نیا، اکبر و ندا یوسفی (۱۳۹۳) «تمایل به خودکشی در میان دانشجویان، آزمون تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و پنجم، شماره ۵۴، صص ۶۱-۷۹.
- فیضی، ایرج و مرضیه ابراهیمی (۱۳۹۹) گزارش پیمایش ملی خانواده، کرج، جهاد دانشگاهی واحد البرز.
- قاسمی، وحید (۱۳۹۳) سیستم‌های استنباط فازی و پژوهش‌های اجتماعی، تهران، جامعه‌شناسان.
- قاضی طباطبائی، محمود و دیگران (۱۳۸۳) تحقیق ملی بررسی خشونت خانگی علیه زنان، جلد دهم، تهران، مرکز مشارکت امور زنان نهاد ریاست جمهوری و وزارت کشور.
- کریمی، فاطمه (۱۳۸۶) بررسی وضعیت خشونت خانگی علیه زنان و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر قم)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- منیر، محمد داوود و دیگران (۱۳۸۸) خشونت خانوادگی، عوامل و راه‌های مقابله با آن، افغانستان، شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر.
- وامقی، مروئه و دیگران (۱۳۸۶) «مواجهه با خشونت خانگی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۳۰۵-۳۲۵.

Int Health Hum Rights, 2019;19, 29 10.1186/s12914-019-0215-5.

Hacettepe University Institute of Population Studies (HUIPS) Research on domestic violence against women in Turkey, (2009) ISBN, 978-975-19-4498-6, Ankara. http://www.hips.hacettepe.edu.tr/eng/dokumanlar/2008-TDVAW_Main_Report.pdf.